



## موسیقی درباری در عصر تیمور گورکانی

زهرا غفارزاده

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران  
پست الکترونیک: Zahraghaffarzadeh5@gmail.com

### چکیده

موسیقی درباری در عصر تیمور به بحث هنر موسیقی در ذیل دربار تیمور می پردازد. تیمور و جانشینانش با حمایت از فرهنگ و هنر موجبات رشد علوم و هنر را فراهم آوردند و با جذب هنرمندان در دربار خود از زیبایی هنرها بهره بردند. این دوره به لحاظ شکوفایی هنری و علمی، مورد توجه مورخان و نویسندگان بود و موسیقیدانانی چون عبدالقادر مراغی از موسیقیدانان مشهور به حساب می آیند که در دربار نیز حضور داشته اند. موسیقی این دوره به لحاظ رشد فنی و هنری مورد توجه است و دربار جایگاه عرضه ی کالای علمی هنرمندان و کسب سود و ارائه هنر بود. مادامی که موسیقیدانان در دربار بودند، این کالای هنری سود و منفعت برای آن ها به ارمغان می آورد و دربار تنها جایی بود که این هنر را به سود مالی می رساند. انواع سازها چون برغو، نفیر، قانون، بربط و ارغنون در دربار نواخته می شدند که هرکدام نوای خاص خود را داشت که نیازمند تبحر برای رسیدن به نوای باب طبع سلطان بود. با بررسی موسیقی درباری در عصر تیمور، می توان به رشد یک هنر در عصر تیموری و جایگاه آن در کسب سود برای هنرمندان پرداخت. همچنین بررسی یک هنر خاص سبب آشنایی با زندگی اجتماعی و هنری در عصر حاضر خواهد شد. روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی- تبیینی و شیوه گردآوری داده ها کتابخانه ای است.

**واژگان کلیدی:** موسیقی، تیمور، دربار، عبدالقادر مراغی.



#### مقدمه

دوره تیموری به جهت حاکم شدن تیمور بر ایران و اقدامات او مورد توجه است؛ اقداماتی چون بی رحمی ها و کشت و کشتارهای او و یورش های او در تواریخ و منابع مورد توجه واقع شده است. اما جز موضوع حملات و یورش های تیمور، بحث پیشرفت هنرها جالب توجه می نماید؛ پادشاهی که چهره ای سفاک دارد با حمایت از هنرهای گوناگون در پی کسب اعتبار برای خویش بود.

در این عصر هنرهای متعدد شکوفا شدند؛ این رشد هنری با اوضاع سیاسی و نظامی حاکم بر جامعه تناقض داشت. تیمور برای نمایان ساختن برتری خود به فکر گردآوری هنرمندان در شهر سمرقند افتاد. همچنین جانشینان او نیز از این شیوه پیروی کردند و باعث پیدایش مکتب هرات شدند.

این دوره را باید دوره احیای فرهنگ و هنر نامید. زیرا پس از دوره ی بی رونقی هنرمندانی گرد هم آمدند تا هنر این سرزمین را اعتلا ببخشند.

هنر موسیقی در این عصر رشد چشمگیری داشت؛ به طوری که نسبت به ادوار قبل دارای شانی بالاتر شد. تیمور با موسیقیدانان در جشن های باشکوه، سعی در نمایش اوضاع آرام سیاسی و ثبات حکومت خود داشت و حمایت از هنرمندان برای اثبات برتری خود بود.

موسیقی دانان بنامی چون عبدالقادر مراغی با راه یافتن به دربار تیمور، مشهور شدند؛ حمایت تیمور و جانشینانش باعث رشد روزافزون هنرهایی چون موسیقی شد. همچنین امتیاز ویژه ای برای هنرمندان تعلق گرفت؛ از جمله اختصاص حقوقی مکفی تا هنرمند با خاطری آسوده و بدون دغدغه مالی به تعالی هنر خویش بیندیشد. دغدغه مالی یک هنرمند می توانست باعث رشد هنری با کیفیت پایین گردد که این موضوع مورد قبول دربار نبود.

مسئله اصلی پژوهش زیر اثبات رشد هنری و فرهنگی به خصوص هنر موسیقی در ذیل دربار تیمور است. همچنین بررسی موسیقی درباری باعث آشنایی با شیوه زندگی موسیقیدانان و تلاش آن ها برای ترقی در عصر حاضر خواهد گردید. در این مقاله تلاش شده به سوالات زیر پاسخ داده شود.

سوال اصلی: اوضاع موسیقی در دربار تیمور چگونه بوده است؟

سال فرعی: اوضاع هنرمندان در این دوره چگونه بوده است؟

تحقیق زیر توصیفی - تبیینی است و شیوه گردآوری داده ها کتابخانه ای است.

#### تیمور و توجه به هنر

تیمور در اصل از قبیله مغول ترکی شده بارلاس (برلاس) بود که از ناحیه کش، نزدیک سمرقند برخاست و پس از آنکه فرمانروای امپراتوری چغان خوانده شد، یورش های خود را برای فتح ایران و نواحی دیگر آغاز کرد. او پس از تسلط بر ایران تحت تاثیر فرهنگ ایرانی قرار گرفت. (میرجعفری، ۱۳۸۰: ۳۱۶-۳۱۵)

ایران تسخیر شده در نگاه تیمور، عصاره ثروت، هنر و فرهنگ محسوب می شد که با بهره گیری از دستاوردهای غنی و فرهنگی آن درصدد برآمد تا ماورالنهر را به یک هسته فرهنگی - هنری تبدیل کند و از این راه بر اعتبار خود بیفزاید. (دلریش، لعل شاطری، ۱۳۹۳: ۶۱ و آژند، بی تا: ۴۰)

با چیرگی تیمور بر ماورالنهر و ایران، وی بنا به دلایلی در جست و جوی صاحبان هنر و کوچ دادن آنان برآمد و در پی آن، سمرقند علاوه بر مرکزیت سیاسی، مرکزیت فرهنگی و هنری یافت.

از هنگام آمدن تیمور به ایران و تشکیل دولت گورکانیان تا انقراض این سلسله، که متجاوز از یک قرن، در ایران طول کشید، فرمانروایان، شاهزادگان، و امرای تیموری، تلاش عمده ای را در جهت گسترش دانش و فرهنگ و تمدن ایرانی به کار بستند. (ناظری، ۱۳۸۸: ۳۹)



برخی مسائل باعث رشد موسیقی در این عصر شدند؛ از جمله ثبات سیاسی نسبی، رونق اقتصادی، آزادی مذهبی و احترام به علمای دین و رهبران گرایش های تصوف، هنرمند پروری صاحب منصبان و درباریان که هر یک از این عوامل، تاثیر بسیاری در رونق و شکوفایی موسیقی این دوره داشته است. (دلریش، لعل شاطری، ۱۳۹۳: ۷۲-۷۳؛ خاتمی، اصغری طرقي، ۱۳۹۲: ۶۳) اگر مغولان دیر ایرانی شدند و دیر به فکر حمایت از فرهنگ ایرانی افتادند، در عوض تیموریان این کار را زودتر آغاز کردند. ایشان در واقع بسیار زود ایرانی شدند و از آغاز کار چنان مقهور فرهنگ ایرانی بودند که هیچگاه از زیر بار این نفوذ بیرون نیامدند. (میرجعفری، ۱۳۸۰: ۳۰۷)

این دوره از تاریخ ایران، به احتمال بسیار زیاد، آخرین موقعیت درخشان برای ترقی موسیقی ایرانی بوده است؛ زیرا این هنر علاوه بر دربار تیمور و پادشاهان دیگر، در میان توده ی مردم نیز جایگاهی داشته است. (دلریش، لعل شاطری، ۱۳۹۳: ۷۳-۷۲)

### چهره دو گونه تیمور

هجوم تیمور نیز مانند حملات چنگیز با بی رحمی ها برای مردم همراه بود، اما تفاوت عمده آن این بود که تیمور غیر از زبان ترکی، زبان فارسی هم می دانست و شناختش از اسلام محدود به اصول دین نبود؛ بلکه شامل علم و هنر هم می شد. (میرجعفری، ۱۳۸۰: ۳۱۶-۳۱۵).

تیمور را می توان پادشاهی دوچهره خواند: چهره ای سفاک و بی رحم و چهره ای و دوستدار علما و علاقه مند به هنرهایی چون موسیقی، نقاشی و معماری.

به همین دلیل ذبیح الله صفا او را معجونی شگفت انگیز از متناقضات می نامد و می نویسد: "خشونت در ذات او کمین کرده بود و در همان حال، هنر دوستی و دانش پروری بر خوی سرکش او پرتوی از لطافت را افکند." (ناظری، ۱۳۸۸: ۴۰) گاهی افراد خونریز مانند تیمور، با وجود خوی خشن خویش، در صدد احیا و ترمیم نیز هستند که از آن جمله، انتقال هنرمندان و صنعتگران هر شهر به سمرقند است. (میلانی، راستوی، بی تا: ۱۱۰)

به رغم این که بیشتر وقت تیمور در جنگ سپری می شد، وی به اهل صنعت و پیشه شیفته بود و به این دلیل اقدام به کوچ هنرمندان می کرد. (دلریش، لعل شاطری، ۱۳۹۳: ۶۳ و آژند، بی تا: ۴۰)

با وجود آن که تیمور سواد خواندن و نوشتن نداشت، اما از فرهنگ و دانش بی بهره نبود؛ متأسفانه به جنبه های دیگر شخصیت تیمور توجه چندانی نشده است. با این که او طبعا سفاک بود ولی به شدت تحت نفوذ فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی بود که این خود باعث حمایت از هنرمندان دانشمندان در این عصر گردید. (ناظری، ۱۳۸۸: ۴۰-۳۹)

اما باید به این نکته هم توجه کرد که به رغم حمایت تیمور از هنرمندان، سفاکی وی خاص و عام نمی شناخت و هرکس را که نیاز بود به سختی مجازات می کرد به طوری که حتی هنرمندان را نیز از این مجازات معاف نمی کرد. (دلریش، لعل شاطری، ۱۳۹۳: ۶۳)

### سمرقند و مرکزیت هنری

بهانه لشکرکشی های امیر تیمور به ایران، دعوت خواجه علی موید سربداری از او و آبای ملک غیاث الدین از عمل به سیره پدر خود، در اجرای احکام تبعیت نسبت به حاکم ماورالنهر و توصیه شاه شجاع اولاد خود به امیر تیمور بود. (آشتیانی، بی تا: ۱۵) پیشرفت های تیمور از ماوراءالنهر به خاور نزدیک، اوضاع و شرایط ایران را به کلی دگرگون کرد. تغییرات و تحولات پدیدار شده منحصر به امور سیاسی ایران و یا ساختار حکومت نبود، بلکه در اوضاع فرهنگی و اقتصادی نیز تاثیر گذاشت. (جکسن، ۱۳۷۹: ۵۱)



## هشتمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران

محل برگزاری: تهران

۲۵ تیر ۱۴۰۰

قلمرو تیمور تا پیش از این که سمرقند را پایتخت کند، کم و بیش از هر طرف تا ۵۰۰ میل امتداد می یافت. (لمب، ۱۳۸۵ : ۱۱۸-۱۱۵)

انتخاب سمرقند برای پایتختی دلیل مهمی داشت و آن زیبایی این شهر بود به طوری که اصطخری این شهر را چنین توصیف کرده: "هوا، خاک و زمین سمرقند، از نیکو ترین هوا و خشک ترین مواضع است و اهل آن پیوسته بر اکتساب فضل و علم و ادب مشغول و بر اظهار مروت مشعوف می باشند." (دیناری، دل آشوب، ۱۳۹۵: ۶۶)

تیمور در سمرقند به مردم دستور داد تا برج های شکسته و حصار در هم ریخته این شهر را تعمیر کنند. سمرقند را با آجرهای تیره آراستند و نام آن "گوک کند" شد چون مغولان به رنگ آبی دلبستگی داشتند. (لمب، ۱۳۸۵ : ۱۱۸-۱۱۵) تیمور به دنبال فتوحات خود، گروه عمده ای از موسیقی دانان را از دربار سلطان احمد جلایر و پس از فتح بغداد در ۷۹۵ ه.ق در دربار خود پذیرفت که حضور موسیقیدان برجسته ای چون عبدالقادر مراغی در دربار تیمور در سمرقند گویای این مطلب است. (دلریش، لعل شاطری، ۱۳۹۳: ۶۱ و آژند، بی تا: ۴۰)

از این پس سمرقند مرکز و پایتخت تیمور شد و او هنرمندان و صنعتگران را در دربار خویش در سمرقند جمع کرد و بعد ها جانشینانش این راه را ادامه دادند.

در واقع پیشرفت و ترقی هنر در این عصر مهون جمع شدن نوابغ هنری و علمی در سمرقند است و اقدامات تیمور باعث آبادانی بناها و ترقی هنر و شکل گیری هنری مترقی در این شهر داشت. (اشرفی، میرجعفری، بی تا: ۱۴۹)

### مجلس و موسیقی:

تیمور همواره در سفرهای جنگی و چه پس از فراغت از آن و حضور در سمرقند، به دلایل زیر جشن هایی با حضور هنرمندان برجسته برگزار می کرد: ۱. رهایی از لشکرکشی های پی در پی ۲. کاهش رنج های لشکریان دور از خانه و خانواده ۳. نمایاندن اقتدار و ثبات سیاسی - نظامی به افراد خودی و دشمن. او همانند خاندان چنگیزی طوی های (مراسم جشن) مداومی برگزار می کرد. (دلریش، لعل شاطری، ۱۳۹۳: ۶۱)

با اینکه اکثر اوقات تیمور و سپاهیان در سفر سپری می شد، لیکن چه زمانی که تیمور در سمرقند بود و چه زمانی که در مسافرت، همواره با ترتیب جشن و سرور و مجالس شادی اوقات خود را پر می کرد. در این مجالس، موسیقی دانان و ترانه خوانان از موقعیت و مرتبت خاصی برخوردار بودند. (ابن عربشاه، ۱۳۵۶: ۳۱۱).

کلاویخو به زیبایی به توصیف این جشن ها پرداخته و از گروه سرودخوانانی صحبت کرده که آواز می خواندند و همزمان با آلات موسیقی، آهنگ می نواختند. (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۲۴۵)

به نظر می رسد تیمور در پس برگزاری جشن های باشکوه، آن هم در حضور کلاویخو (سفیر اسپانیا) مقاصدی دیگر چون نمایش قدرت و ثبات آرامش قلمرو خود داشته. از این رو موسیقی دانان نیز عاملی برای باشکوه جلوه دادن این مراسم محسوب می شده اند. (دلریش، لعل شاطری، ۱۳۹۳: ۶۲).

شرف الدین علی یزدی در باره موسیقی در این عصر می گوید: "به فرمان قضا جریان به نفاذ پیوست که زنان سلطان و احمد علاءالدوله پسرش با هنروران از اصناف محترفه و پیشه وران دارالاسلام که هر یک قسمی از اقسام کامل و تمام بودند خانه کوچ به سمرقند برند. بر حسب فرموده کار بند شدند و خواجه عبدالقادر را نیز که از غایت اشتهار در تعریف و وصف مستغنی است و در فن موسیقی سر آمد ادوار خانه کوچ کردند." (شرف الدین علی یزدی، ۱۳۸۷: ۷۳۵)

در ذکر جشنی پس از رسیدن تیمور به دارالسلطنه سمرقند، در سال ۸۰۷ ه. ق چنین آمده است: "مطربان خوش الحان و مغنیان شیرین زبان به طریقه فرس و ترتیب عجم و قاعده عرب به ساز نواختن و غنا ساختن و نقش پرداختن مشغول گشته آواز رود و سرود به چرخ چنبیری رسانیدند." (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۱۰۲۸)

علاوه بر این، اجرای موسیقی توسط گروه های نوازنده در جشن ها و ضیافت های تیمور برنامه ای معمول محسوب می شده



است. کلاویخو چنین توصیف می کند: " گروهی طبل می نواختند و فیل ها به آهنگ بازی می کردند و در غرفه ای که تیمور نشسته بود نیز گروهی نوازنده گرد آمده و به صدای بلند آلات گوناگون خویش را می نواختند. " (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۲۵۷) علت این جامعیت هنری، شیوع فنون هنر و توجه خاص امیران و شاهزادگان تیموری به همه رشته های صنایع ظریفه بود. ایشان در کمال گشاده دستی از هنرمندان حمایت می کردند و وسیله کار و معاش آن ها را فراهم می ساختند. گذشته از طبع هنر پسند شاهزادگان تیموری، وجود مجالس عیش و نوش و ضیافتها و جشن های پر شکوه، زمینه مناسبی برای تربیت موسیقی دانان و سازندگان و نوازندگان بود. ( میرجعفری، ۱۳۹۵: ۱۴۵)

پژوهشگران معاصر موسیقی دربار تیموریان را تداوم سنت موسیقایی پیشین در دربار آل جلایر می دانند که در نهایت نیز با تصرف هرات به دست شاه اسماعیل اول صفوی، این سنت تا حدودی به اصفهان، پایتخت صفویان منتقل شد. (دلریش، شاطری، ۱۳۹۳: ۶۴-۶۳) همچنین باید به این نکته نیز اشاره کرد که شعرا به موسیقی و موسیقیدانان به شعر توجه می کردند و بعضی از شعرا برای شعر خود آهنگ می ساختند؛ مانند خواجه یوسف برهان، که بیشتر برای اشعار خود شعر می سرود (میرجعفری، کتاب، ۱۳۹۵: ۱۶۰).

#### انواع سازها

علمای موسیقی آلات موسیقی را به چند دسته تقسیم کرده اند: ۱. سازهایی که با نواختن یا زخمه ناخن یا کشیدن کمان به صدا در می آید چون رباب، تنبور و بربط. ۲. با دمیدن هوا به صدا در می آید همچون سورنای، نی لبک. ۳. سازهایی که بدون کاربرد انگشتان نواخته می شود از جمله قانون، سنتور و چنگ که صدایی اندوهناک دارند. (فروغ، بی تا: ۵)

انواع سازهای این دوره که در دربار نواخته می شدند عبارت بودند از:

۱. برغو یا برغوا ۲. نفیر، بلندترین ساز بادی دوره تیموری بود. ۳. قانون، سازی مسطح و به شکل مثلث و فاقد دسته ۴. ارغنون از تعدادی لوله تشکیل می شد و صداهایی بم تر و لوله های کوتاه تر، اصواتی زیرتر تولید می کرد. ۵. بربط، سازی که دارای کاسه های گلابی شکل همراه با دسته ای کوتاه بود. ۶. موسیقار، سازی متشکل از نی های بزرگ و کوچک ۷. طنبور ۸. رباب یا روباب، نخستین سازی بود که آن را با کمان (آرشه) می نواختند. (دلریش، لعل شاطری، ۱۳۹۳: ۷۳)

اما توجه خاص موسیقی دانان قدیم به ساز عود یا بربط و کاربرد آن به منظور تبیین عملی - نظری موسیقی و نگارش نغمات به زبان موسیقایی رایج آن دوران، نشانگر اهمیت این ساز در نظام نظری موسیقی ایرانی است. (دولتی فرد، بوبان، ۱۳۹۷: ۷۸)

در این دوره شاهد به وجود آمدن هنرمندانی چون عبدالقادر بن حافظ عینی هستیم که از هنرمندان و استادان سرآمد بوده، از جمله ابتکارات و اختراعات او، قطعه موسیقی مشتمل بر ۱۲ مقام، ۲۴ شعبه، ۶ آوازه است. او در تار و خط و شعر همانندی نداشته است. (اسفرازی، ۱۳۳۹: ۳۹)

فارابی در رساله موسیقی الکبیر، عبدالقادر مراغی در رساله جامع الحان و همچنین اخوان الصفا در رساله مجمل الحکمه، به اهمیت ساز عود اشاره کرده و آن را کامل ترین ساز دانسته اند. (دولتی فرد، بوبان، ۱۳۹۷: ۷۸)

#### موسیقی دانان درباری

بنا به نوشته ابن عربشاه، تیمور در دوران فرمانروایی خود، خوش آهنگان و موسیقیدانان زیادی را به چنگ آورد. (عربشاه، ۱۳۵۶: ۳۱۴)

از بزرگترین موسیقیدانان عصر تیموری می توان خواجه عبدالقادر مراغی نام برد. (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۱۴)

عبدالقادر مراغی را شاید بتوان آخرین مولف موسیقی دان مهم این دوره دانست؛ زیرا ارزش تخصصی و تاریخی آثار مولفانی که بعد از او وارد این عرصه شدند و صاحب تالیفاتی درباره موسیقی هستند، کمتر است. (گمنام، بی تا: ۲)

او آهنگسازی دانشمند و نوازنده ای بزرگ بود که در موسیقی، قرائت، شعر و خط مهارت داشت. (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۱۴)

امیرعلیشیر نوائی در تذکره مجالس النفاثس نوشته: " به امیر تیمور خبر داده بودند که عبدالقادر و دولتی دیگر شب و روز در



صحبته میرانشاه به شرب خمر مشغول بودند و وقتی خبر فرمان تیمور به گوش آن ها رسید، دستور داد هر سه رابکشند عبدالقادر به قرآن مجید برد، در ساعت آیه ای به آواز خوب خواند و رهایی یافت." (میرجعفری، ۱۳۹۵: ۱۵۹) در اوائل حال، در بغداد در مصاحبت سلطان احمد جلایر به سر می برد. سلطان از وی به "یار عزیز" تعبیر نمود و به او التفات بیشتری اظهار می کرد. بعد از غلبه تیمور بر بغداد و فرار سلطان احمد، جزء ملازمان میرانشاه شد. بعد از مرگ فاتح گورکانی، مراغی در خدمت شاهرخ به تقریب تمام در هرات ماند تا اینکه در سال ۸۳۸ به مرض طاعون در گذشت. (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۱۴)

یکی از آثار مهم خواجه عبدالقادر جامع الالحن نام دارد که کتاب مشروعی در باب موسیقی است که همه مسائل مربوط به آن علم را در بردارد. از آثار دیگر او می توان از مقاصد الالحن، کتاب الموسیقی، زبده الادوار، شرح ادوار اموی و کنز الالحن فی علم الادوار را نام برد. (میرجعفری، کتاب، ۱۳۹۵: ۱۴۵)

ابن عربشاه در کتاب خود از جمله موسیقی دانان این عصر را عبداللطیف دامغانی، مولانا اسدالدین شریف، حافظ حسینی، محمد محرق خوارزمی، جمال الدین احمد خوارزمی و عبدالقادر مراغی استاد فن موسیقی نام برده. او در جایی دیگر علاوه بر عبدالقادر از پسر او صفی الدین و دامادش نسرن، قطب موصلی و اردشیر چنگی نام برده است. (عربشاه، ۱۳۵۶: ۳۱۴) ممکن است گفته شود نوشته های عبدالقادر، از اهمیت و اصالت فنی و تاریخی آثار فارابی و صفی الدین را نداشته ولی نوشته های او از جهات دیگری جالب توجه و حائز اهمیت است: ۱. نوشته های وی از جنبه به اصطلاح دایره المعارفی موسیقی، جامع و کامل است. ۲. در آن یک طریقه و سنت نویسی و خط موسیقی به کار رفته و نغمه ای به نت در آمده است که از نظر دقت و صراحت نسبت بی سابقه است. ۳. برخلاف برخی از کتاب و رسالات موسیقی متعلق به آن دوره، به زبان فارسی نوشته شده. (گمنام، بی تا: ۲)

پس از عبدالقادر مراغی، ویرانی ها و تباهی هایی که در ایران رخ داد، باعث افول موسیقی گردید. (حاتمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۲۴-۱۲۵)

### درآمد موسیقی دانان درباری

مقایسه ای کلی بین حقوق دریافتی هنرمندان درباری، در دو دربار تیموریان و عثمانی، نشان می دهد که هنرمندان دربار تیموری، از سطح درآمد بهتری نسبت به عثمانی برخوردار بودند. (سمائی دستجردی و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۶) براساس آمارهای اندک به دست آمده از منابع، موسیقی دانان در این دوره از دستمزد بالاتری نسبت به سایر هنرمندان درباری برخوردار بودند. این امر به علت توجه سلاطین تیموری به هنر موسیقی بود. (سمائی دستجردی و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۵) هنرمندان درباری مادامی که در دربار به سر می بردند، از زندگی پر تجمل و مرفه آن بهره مند بودند و به محض کناره گیری از این خدمات، معمولاً زندگی پر مشقت و ساده ای را آغاز می نمودند. به عبارت دیگر، حضور در دربار اگرچه برای هنرمندان، اعتبار و منزلت، حقوق و مواجب به همراه داشت، اما احتمال قطع شدن حمایت های دربار نیز در این میان احساس می شد. (پات و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۷) در این میان هنرمندان و صنعتگرانی نیز بودند که با وجود مهارت و توانمندی های بالای فنی و هنری، در فقر و تنگدستی به سر می بردند.

برخی از آن ها نظیر حافظ پناهی موسیقی دان، برای امرار معاش و گذران زندگی مجبور به فعالیت در چندین زمینه و حتی ترک هنر و حرفه موردعلاقه خود و پرداختن به حرفه ای دیگر می شد. (سمائی دستجردی و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۷)

تحلیل موسیقی درمانی تا دوره عبدالقدر مراغی



یکی از مباحث مطرح در کتب قدیمی بحث درمان با موسیقی است به طوری که این موضوع در کتاب عبدالقادر مراغی نیز آمده است.

این تفکر ریشه در دوران قبل از تیموری دارد به طوری که افرادی چون ابوزید بلخی (۳۲۲-۲۳۵ ق) در کتاب مصالح البلدان و الانفس اطلاعاتی در مورد موسیقی می دهد و موسیقی را به ارتباط با مصالح نفسانی و روحی بر مصالح جسمی و بدنی ربط می دهد از نظر وی "موسیقی اشرف لذات انسان است و فرد باید بداند که استفاده از آن در جهت ارتقا بخشیدن به فضایل انسانی است." ابوزید از تاثیری که موسیقی هم بر جسم و هم بر روان داشته است، به خوبی آگاه بود و پرداختن به آن را به عنوان یکی از راهکارهای درمانی تجویز نموده است. (حاتمی و دیگران، ۱۳۹۴ : ۱۲۰-۱۱۸)

همچنین عنصرالمعالی کیکاووس در کتاب قابوس نامه (۴۷۵ ه.ق) به تاثیر موسیقی بر طبایع اشاره و تناسب موسیقی و آلاتی که با آن نخته می شود، با مزاج مستعلمان نیز بیان شده : "اگر سرخ روی باشد و دموی روی، بیشتر به درود زن، اگر زرد روی و صفراوی بود، بیشتر به زیر زن. اگر سیاه گونه بود، نحیف و سوداوی بود، بیشتر بر سه تار زن و اگر سفید پوست و فربه بود بیشتر بر بم زن." (همان، ۱۳۹۴ : ۱۲۴-۱۲۳)

کسانی که به تاثیر موسیقی معتقدند، بر تاثیر این نوا بر روح و جان نیز اشاره می کنند، به این صورت که شنیدن نغمه ای خاص از راه گوش مغز را تحت تاثیر قرار داده و این تاثیر در روح تجلی می یابد. (اشرف زاده، بی تا: ۱۳)

خواجه کمال الدین عبدالقادر بن غیبی حافظ مراغی در کتاب مقاصد الالحن، از همه جنبه های موسیقی، گفت و گو می کند. او در این کتاب ضمن برشمردن خواص موسیقی، به استفاده از آن در زمینه پزشکی و چگونگی بهره گیری یک پزشک از موسیقی در راه تشخیص درمان امراض اشاره می کند. (حاتمی و دیگران، ۱۳۹۴ : ۱۲۵-۱۲۴)

با استفاده از این رویکرد می توان به علت موفقیت هنرمندان درباری پی برد، زیرا با شناخت طبایع شاهان و شاهزادگان و اطلاع از این موضوع، آن ها توانستند در دربار جایگاه مهمی به دست بیاورند.

در واقع، دوره تیموری به جهت استفاده موسیقیدانان از علم موسیقی به پیشرفت رسید و دانستن این مطالب اساسی باعث اشتها آن ها در دربار گردید.

### نتیجه گیری

عصر تیموری یکی از مهم ترین اعصار علمی است و این به علت توجه تیمور و جانشینانش به علم و فرهنگ می باشد. تیمور که در تاریخ ایران به فردی خونریز مشهور می باشد برخلاف خوی جنگجویی خود، بسیار طالب علم بوده است و هنرمندان زیادی را در سمرقند جمع کرده است که از جمله آن ها موسیقی دانان می باشند که جایگاه مهمی در دربار او داشتند...

عبدالقادر مراغی، از جمله هنرمندان موسیقی دان است که کتاب او به نام جامع الالحن از جمله مشهورترین کتاب هاست؛ او به دربار تیمور راه یافته و مقام بالایی کسب کرد.

به نظر می رسد هنرمندان درباری تیمور بیشتر از هنرمندان دربار عثمانی درآمد داشته اند و این خود حاکی از قدرت و ثروت و پاداش های بسیار درباری است که در انتظار هنرمندان بوده است .

علی رغم ترس و وحشتی که تیمور در دل ها ایجاد کرده بود، حمایت او از هنرمندان باعث رشد هنرهایی چون موسیقی شد. موسیقی دانان این دوره از سازهای زیادی چون نفیر، بربط، عود، طنبور، موسیقار، رباب و... استفاده می کردند که باعث اوج تنوع موسیقایی شده بود و حتی برخی شاعران هم برای شعر خود آهنگ می ساختند.

اما موسیقی دانانی چون عبدالقادر مراغی، از تاثیر موسیقی بر روی مزاج افراد آگاه بودند و از این علم در راستای موفقیت خود در دربار استفاده می کردند که این باعث رشد روز افزون این موسیقی دانان و شهرت آن ها شده است.



حقوق مکفی درباری در این دوره هنرمندان بسیاری را در دربار جمع کرد و هنرمندان بدون دغدغه مالی صرفا به تعالی هنر خویش پرداختند البته چنین هنرمندانی اگر از محفل دربار خارج می شدند، تمام حمایت ها را از دست می دادند و با فقر زندگی می گذراندند.

در کل این دوره دوره ی رشد علوم از جمله موسیقی است و دربار تیمور و جانشینانش مورد توجه هنرمندان و راه یابی آن ها برای کسب ثروت بوده است ولی این تا زمانی بود که آن ها در دربار باشند و پس از رفتن از دربار آن ها هیچ شانس برای کسب ثروت از هنر خاص خود نداشته اند.

#### منابع و مآخذ:

#### کتاب ها

- ابن عربشاه، احمد بن محمود، (۱۳۵۶)، عجایب المقدور فی اخبار تیمور (زندگانی شگفت آور تیمور) ترجمه محمد نجاتی، تهران: بنگاه و نشر کتاب.

- اسفرازی، معین الدین محمد، (۱۳۳۹)، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.

- اقبال آشتیانی، عباس (بی تا)، ظهور تیمور، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.

- جکسن، پی تر، (۱۳۷۹)، تاریخ ایران در دوره تیموریان، پژوهشی از دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: دیبا.

- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله، (۱۳۸۰)، زبده التواریخ، تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، ج ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- خواندمیر، غیاث الدین، (۱۳۳۳)، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۴، تهران: خیام.

- کلاویخو، رویی گونسالس، (۱۳۳۷)، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: علمی و فرهنگی.

- لمب، هارولد، (۱۳۸۰)، تیمور لنگ فاتح جهان، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: پیک ایران.

- میرجعفری، حسین، (۱۳۵۹)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در رورا تیموریان و ترکمانان، تهران: سمت.

- یزدی، شرف الدین علی، (۱۳۸۷)، ظفرنامه، تصحیح سید سعید میر محمد صادق و عبدالحسین نوایی، ج ۱، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

#### مقالات

- آژند، یعقوب، (بی تا)، "سیاست هنری تیمور"، پژوهش نامه علوم انسانی، ش ۱.

- اشرف زاده، رضا، انیس اشرف زاده، (بی تا)، "پیشینه موسیقی درمانی"، فصل نامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ش ۱.

- اشرفی، احمد، حسین میر جعفری، (بی تا)، "زمینه های پیدایش مکتب هنری هرات در عصر تیموری و چگونگی انتقال موارد آن به عصر صفوی"، پژوهش نامه تاریخ، ش ۱۸.

- پات، فریبا، احمدرضا خضری و مهرانگیز مظاهری، (۱۳۹۰)، "خوشنویسی در آغاز صفوی"، پژوهش نامه تاریخ تمدن اسلامی، ش ۱.

- دیناری، سکینه، هادی دل آشوب، (۱۳۹۵)، "بررسی جایگاه علم و هنر در دربار امیر تیمور گورکانی"، فصل نامه جندی شاپور: دانشگاه شهید چمران اهواز، ش ۵.





- خاتمی، سارا، سمانه پاکباز و فرزانه غفاری، (۱۳۹۴)، "موسیقی درمانی در ایران باستان تا عصر تیموریان"، فصلنامه تاریخ پزشکی، ش ۲۲.
- خاتمی، احمد، مژگان اصغری طرقي، (۱۳۹۲)، "تاثیر نهاد فرهنگی- ادبی دربار بر ادبیات فارسی عصر تیموری"، فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی: بهار ادب، ش ۴.
- دلریش، بشری، مصطفی لعل شاطری، (۱۳۹۳)، "موسیقی عصر تیموری، با تکیه بر نگاره ها و روایات تاریخی"، پژوهش های علوم تاریخی، ش ۲.
- دولتی فرد، مریم، نگار بوبان، (۱۳۹۷)، "مطالعه ای سازشناختی بر تغییر تناسب ساختار عود (بربط) در تصاویر دوره ساسانی، ایلخانی- تیموری و صفوی"، نشریه هنرهای زیبا- هنرهای نمایشی و موسیقی، ش ۳.
- سمائی دستجردی، معصومه، فریدون اللهیاری و اصغیر فروغی ابری، (۱۳۹۵)، "بررسی جایگاه اجتماعی هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان"، فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، ش ۲۹.
- فروغ، مهدی، (بی تا) "بربط، ساز ایرانی"، بی جا.
- گمنام، (بی تا)، "مجله موسیقی"، انتشارات اداره کل هنرهای زیبای کشور.
- میرجعفری، حسین، (۱۳۸۰)، "نقش تیموریان و حمایت آنان در شکوفایی فرهنگ و تمدن ایرانی"، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان (ویژه نامه تاریخ و علوم اجتماعی)، ش ۱.
- میلانی، عبدالحسین، حیدر استوی، (بی تا)، "دیدگاه فرهنگی تیمور"، پژوهش های تاریخی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ش.
- ناظری، محمدرضا، (۱۳۸۸)، "سیاست علمی و فرهنگی تیمور"، رشد آموزش تاریخ، ش ۳.



## Court music in the era of Timur Gurkani

**Zahra Ghaffarzadeh**

M.A student of Islamic Iran history, Tabriz university , Tabriz , Iran

Email: [Zahraghaffarzadeh5@gmail.com](mailto:Zahraghaffarzadeh5@gmail.com)

### **Abstract:**

Court music in the Timurid era discusses the art of music below the court. Timur and his successors, by supporting culture and art, and by attracting artists to their court, they enjoyed the beauty of the arts. This period was considered by historians and writers in terms of artistic and scientific flourishing, and musicians such as Abdulqader Maraghi are considered to be famous musicians who were also present at the court. The music of this period is considered in terms of technical and artistic development and the court was the place of the field of scientific goods of artists and earning and presenting art. As long as the musicians were at the court, the artifact brought them profile, and the court was the only place that made the art financially profitable. Various instruments such as barghu, nafir, qanun, barbat and arghanun were played in the court, each of which had its own sound, which required mastery to reach the sound of the kings nature. By examining court music in the Timurid era, we can look at the growth of an art in the Timurid era and its place in the profit of artists. Also, the study of a particular art will lead to familiarity with social and artistic life in the present age. The research method in the present study is descriptive-explanatory and the method of data collection is library.

**Key words:** music, Timur, court, Abdolqader Maraghi.